عدم منافات خلو حروف از معنا با استفاده معنایی در مراحل بعدی

شاگرد: اینکه حروف بهغیر از نفس خودشان، معنایی ندارند، در روایات برای میم، آمده که مثلاً ملک خدا است.

استاد: خیلی بحث خوبی است. در بحث تفسیر سوره ق در سال ۱۳۹۰ بحث کردهایم. منافاتی با این ندارد؛ یعنی طبایعی دارند که آن طبایع، خودش است و معنایی ندارد ولی در مراحل بعدی، خدای متعال برای تدوین تکوین از تکتک این حروف برای ارتباط با معانی مختلف استفاده کرده است. مثلاً«ب» در ابجد یعنی دو. «ب» یعنی بهاء الله. چون «ب» طبیعتی است که در بهاء شرکت میکند... . دو-سه جلسه راجع به این صحبت کردیم. شریفترین معنا، طبیعیترین معنا و سادهترین معنا را در «ق» بررسی کردیم؛ «ق» یک معنا دارد که شریفترین معنا است، یک معنا دارد که طبیعیترین معنا است و یک معنا هم دارد که سادهترین معنا است. پنج-شش تا بود. الآن بحث ما سر طبیعی آن است.

شاگرد:در این روایت هم «غیر نفسها» داشت.

استاد: بله، یعنی خودش را در نظر بگیرید، چیزی غیر از خودش ندارد. اما اینکه بعداً معنایی را از آن استفاده کنیم، برای مراحل بعدی است. استفادههای خیلی مفصل و متعددی است.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #4
ایجاد شده 17 سپتامبر 2024 14:22:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:36:42 توسط ... .